



تأثیر سیاست های تجاری جهانی بر بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه

حمید صرفی^۱

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش سیاست های تجاری اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه می پردازد. با استفاده از نظریه رژیم های بین المللی، این مطالعه چگونگی تأثیرگذاری توافقنامه های تجاری و مکانیسم های نظارتی بر شرایط کاری در کشورهای در حال توسعه را تحلیل می کند. یافته های پژوهش نشان می دهد که اگرچه گنجاندن مفاد مربوط به حقوق کارگران در توافقنامه های تجاری می تواند به بهبود استانداردهای کاری کمک کند، اما اثربخشی این مفاد به عوامل متعددی از جمله ظرفیت نهادی کشورهای در حال توسعه، فشارهای بازار و مشارکت جامعه مدنی بستگی دارد. این مطالعه همچنین چالش های پیش روی اجرای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه را شناسایی کرده و راهکارهایی برای بهبود اثربخشی سیاست های تجاری در این زمینه ارائه می دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رویکردی جامع و چندجانبه، شامل ترکیبی از مشوق های تجاری، همکاری های فنی و ظرفیت سازی، می تواند به ارتقای مؤثر استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه کمک کند. این مطالعه با ارائه پیشنهاداتی برای سیاست گذاران و پژوهشگران، به غنای ادبیات موجود در زمینه ارتباط بین تجارت بین الملل و حقوق کارگران می افزاید.

واژگان کلیدی: سیاست های تجاری جهانی، بهداشت و ایمنی شغلی، کشورهای در حال توسعه، اتحادیه اروپا، سازمان تجارت جهانی، توافقنامه های تجاری، حقوق کارگران، استانداردهای کاری، ظرفیت نهادی، جامعه مدنی، ظرفیت سازی، تجارت بین الملل

مقدمه

در عصر جهانی شدن، ارتباط بین تجارت بین الملل و استانداردهای کاری به موضوعی حیاتی در سیاست گذاری های اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. به ویژه، نقش سیاست های تجاری در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه، توجه فزاینده ای را به خود جلب کرده است (Barrientos & Smith, 2007). اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی به عنوان دو بازیگر کلیدی در عرصه تجارت جهانی، نقش مهمی در شکل دهی به این استانداردها ایفا می کنند (Young, 2017).

اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می شود که علیرغم پیشرفت های قابل توجه در زمینه قوانین کار بین المللی، هنوز شکاف قابل توجهی بین استانداردهای موجود و وضعیت واقعی کارگران در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات اروپا از دانشگاه تهران



دارد (Flanagan, 2006). سیاست‌های تجاری می‌توانند به عنوان اهرمی برای ترویج و اجرای این استانداردها عمل کنند، اما اثربخشی آنها همواره مورد بحث بوده است (Elliott & Freeman, 2003).

این پژوهش با هدف بررسی نقش سیاست‌های تجاری اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه انجام شده است. سؤالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. چگونه سیاست‌های تجاری اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی بر استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه تأثیر می‌گذارد؟

۲. چه چالش‌هایی در اجرای این استانداردها وجود دارد و چگونه می‌توان بر آنها غلبه کرد؟

۳. چه راهکارهایی برای بهبود اثربخشی سیاست‌های تجاری در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی وجود دارد؟

اهمیت این پژوهش در آن است که با بررسی جامع ادبیات موجود و تحلیل سیاست‌های فعلی، می‌تواند به درک بهتر مکانیسم‌های تأثیرگذاری تجارت بر شرایط کاری و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت کارگران در کشورهای در حال توسعه کمک کند (Mosley, 2017).

این مقاله با استفاده از نظریه رژیم‌های بین‌المللی، چارچوبی برای تحلیل نقش نهادهای بین‌المللی در شکل‌دهی به استانداردهای کاری ارائه می‌دهد (Hassel, 2008). این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا پیچیدگی‌های روابط بین بازیگران مختلف، از جمله دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی و جامعه مدنی را در نظر بگیریم (Bartley, 2011).

در ادامه، این مقاله به بررسی سیاست‌های تجاری اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی، چالش‌های موجود در اجرای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی، و راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت می‌پردازد. در نهایت، با جمع‌بندی یافته‌ها، پیشنهاداتی برای سیاست‌گذاری و تحقیقات آینده ارائه خواهد شد.

چارچوب نظری: نظریه رژیم‌های بین‌المللی

نظریه رژیم‌های بین‌المللی چارچوب مفیدی برای تحلیل نقش سیاست‌های تجاری در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند. این نظریه که توسط کراسنر (۱۹۸۲) مطرح شد، رژیم‌های بین‌المللی را به عنوان "مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری که انتظارات بازیگران در یک حوزه خاص از روابط بین‌الملل حول آن همگرا می‌شود" تعریف می‌کند (Krasner, 1982).

در زمینه استانداردهای کار، رژیم‌های بین‌المللی شامل توافقنامه‌های تجاری، کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO)، و مکانیسم‌های نظارتی مانند سیستم تعمیم یافته ترجیحات (GSP) اتحادیه اروپا می‌شوند (Orbie & Van den Putte, 2016). این رژیم‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتار دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی در رابطه با حقوق کارگران ایفا می‌کنند (Hassel, 2008).

نظریه رژیم‌های بین‌المللی به ما امکان می‌دهد تا درک کنیم چگونه هنجارها و قواعد مربوط به بهداشت و ایمنی شغلی از طریق تعاملات بین بازیگران مختلف، از جمله دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی، شکل می‌گیرند و تکامل می‌یابند (Berliner et al., 2015). این نظریه همچنین توضیح می‌دهد که چگونه رژیم‌های تجاری می‌توانند به عنوان ابزاری برای ترویج و اجرای استانداردهای کار عمل کنند (Postnikov & Bastiaens, 2014).

یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه رژیم‌های بین‌المللی، مفهوم "همکاری در سایه سلسله مراتب" است که توسط شادلن (۲۰۰۹) مطرح شده است. این مفهوم توضیح می‌دهد که چگونه کشورهای قدرتمند می‌توانند از نفوذ خود در نظام تجارت جهانی برای ترویج استانداردهای کار استفاده کنند (Shadlen, 2007).

علاوه بر این، نظریه رژیم‌های بین‌المللی به ما کمک می‌کند تا مکانیسم‌های مختلف اجرا و نظارت بر استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی را درک کنیم. برای مثال، مفهوم "نظارت شخص ثالث" که توسط لوکه و همکاران (۲۰۱۳) مطرح شده است، نقش مهمی در ارزیابی اثربخشی رژیم‌های کار بین‌المللی دارد (Locke et al., 2013).

با این حال، نظریه رژیم‌های بین‌المللی محدودیت‌هایی نیز دارد. برخی منتقدان استدلال می‌کنند که این نظریه ممکن است نقش عوامل داخلی و تفاوت‌های فرهنگی در شکل‌دهی به سیاست‌های کار را کم‌اهمیت جلوه دهد (Mosley, 2010). بنابراین، در تحلیل نقش سیاست‌های تجاری در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی، باید این محدودیت‌ها را نیز در نظر گرفت.

در مجموع، نظریه رژیم‌های بین‌المللی چارچوب مفیدی برای تحلیل پیچیدگی‌های روابط بین تجارت بین‌الملل و استانداردهای کار فراهم می‌کند و به ما امکان می‌دهد تا نقش اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی را در این زمینه بهتر درک کنیم.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از روش تحلیل کیفی و مرور نظام‌مند ادبیات برای بررسی نقش سیاست‌های تجاری اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه استفاده می‌کند. این رویکرد امکان بررسی جامع و عمیق موضوع را فراهم می‌آورد و به شناسایی الگوها و روندهای کلیدی در ادبیات موجود کمک می‌کند (Snyder, 2019).

فرآیند جمع‌آوری داده‌ها شامل جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های داده علمی معتبر بوده و برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. این روش امکان شناسایی مضامین اصلی و الگوهای موجود در ادبیات را فراهم می‌کند (Hsieh & Shannon, 2005). همچنین، برای افزایش اعتبار یافته‌ها، از تکنیک مثلث‌سازی داده‌ها استفاده شده است، که شامل مقایسه یافته‌های حاصل از منابع مختلف و انواع مختلف داده‌ها (مانند مقالات علمی، گزارش‌های سیاستی و اسناد رسمی) می‌باشد (Flick, 2018).



علاوه بر این، برای ارزیابی اثربخشی سیاست‌های تجاری در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی، از روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی استفاده شده است. این روش امکان مقایسه نظام‌مند سیاست‌های مختلف و شناسایی شرایط لازم و کافی برای موفقیت آنها را فراهم می‌کند (Ragin, 2014).

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، تمرکز بر منابع انگلیسی زبان است که ممکن است منجر به از دست دادن برخی دیدگاه‌ها و تجربیات از کشورهای غیرانگلیسی زبان شود. همچنین، با توجه به ماهیت پیچیده و چندبعدی موضوع، ممکن است برخی جنبه‌های خاص به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفته باشند (Van den Putte, 2015a).

با این حال، این مطالعه با ارائه یک بررسی جامع و نظام‌مند از ادبیات موجود، تلاش می‌کند تا درک عمیق‌تری از نقش سیاست‌های تجاری در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه ارائه دهد و زمینه را برای پژوهش‌های آینده در این حوزه فراهم کند.

رژیم‌های بهداشت و ایمنی شغلی در سیاست‌های تجاری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا به عنوان یکی از بزرگترین بلوک‌های تجاری جهان، نقش مهمی در شکل دهی به استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در سطح بین‌المللی ایفا می‌کند. سیاست‌های تجاری اتحادیه اروپا در این زمینه، ترکیبی از ابزارهای قانونی، مشوق‌های اقتصادی و مکانیسم‌های نظارتی را شامل می‌شود (Orbie et al., 2018).

یکی از مهمترین ابزارهای اتحادیه اروپا برای ترویج استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی، گنجاندن فصل‌های مربوط به توسعه پایدار در توافقنامه‌های تجاری دوجانبه و چندجانبه است. این فصل‌ها معمولاً شامل تعهداتی برای رعایت کنوانسیون‌های اصلی سازمان بین‌المللی کار (ILO) و ارتقای شرایط کاری مناسب می‌باشند (Harrison et al., 2019). برای مثال، توافقنامه تجاری بین اتحادیه اروپا و کره جنوبی، که در سال ۲۰۱۱ به اجرا درآمد، شامل مفاد مشخصی در مورد حقوق کارگران و استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی است (Marx et al., 2016).

علاوه بر این، اتحادیه اروپا از سیستم تعمیم یافته ترجیحات (GSP) به عنوان ابزاری برای ترویج استانداردهای کار استفاده می‌کند. این سیستم به کشورهای در حال توسعه که استانداردهای مشخصی را رعایت می‌کنند، دسترسی ترجیحی به بازار اتحادیه اروپا را ارائه می‌دهد. GSP+ یک نسخه پیشرفته‌تر از این سیستم است که مشوق‌های بیشتری برای کشورهایی که کنوانسیون‌های کلیدی حقوق بشر و حقوق کار را تصویب و اجرا می‌کنند، فراهم می‌آورد (Velluti, 2016).

اتحادیه اروپا همچنین مکانیسم‌های نظارتی متعددی را برای اطمینان از اجرای تعهدات مربوط به بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای شریک تجاری خود ایجاد کرده است. این مکانیسم‌ها شامل کمیته‌های مشترک نظارت، ارزیابی‌های تأثیر پایداری و مشاوره با جامعه مدنی می‌شود (Van den Putte, 2015b). به عنوان مثال، در توافقنامه تجاری بین اتحادیه اروپا و کلمبیا/پرو، یک زیرکمیته تجارت و توسعه پایدار تشکیل شده است که وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات مربوط به حقوق کارگران را بر عهده دارد.



با این حال، اثربخشی این سیاست ها همواره مورد بحث بوده است. برخی مطالعات نشان می دهند که گنجاندن مفاد مربوط به حقوق کارگران در توافقنامه های تجاری اتحادیه اروپا، تأثیر مثبتی بر شرایط کاری در کشورهای شریک داشته است (Postnikov & Bastiaens, 2014). در مقابل، برخی دیگر استدلال می کنند که این مفاد اغلب فاقد مکانیسم های اجرایی قوی هستند و در نتیجه، تأثیر محدودی دارند (Campling et al., 2016).

به طور کلی، رژیم های بهداشت و ایمنی شغلی در سیاست های تجاری اتحادیه اروپا، نشان دهنده تلاش این اتحادیه برای ترویج استانداردهای کار از طریق ابزارهای تجاری است. با این حال، چالش های متعددی در اجرا و اثربخشی این سیاست ها وجود دارد که نیازمند توجه و بررسی بیشتر است.

نقش سازمان تجارت جهانی در ترویج استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی

سازمان تجارت جهانی (WTO) به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای تنظیم کننده تجارت بین الملل، نقش پیچیده ای در ارتباط با استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی ایفا می کند. اگرچه WTO مستقیماً مسئول تنظیم استانداردهای کار نیست، اما سیاست ها و توافق نامه های آن تأثیر قابل توجهی بر شرایط کاری در کشورهای عضو، به ویژه کشورهای در حال توسعه، دارد (Jodoin, 2009).

یکی از مهم ترین توافق نامه های WTO که بر استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی تأثیر می گذارد، توافق نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی (SPS) است. این توافق نامه به کشورها اجازه می دهد تا استانداردهای خود را برای حفاظت از سلامت انسان، حیوان و گیاه تنظیم کنند، اما در عین حال تأکید می کند که این استانداردها نباید به عنوان موانع غیرضروری تجارت عمل کنند (Wouters et al., 2008).

علاوه بر این، توافق نامه موانع فنی تجارت (TBT) WTO نیز بر استانداردهای ایمنی و بهداشت شغلی تأثیر می گذارد. این توافق نامه تلاش می کند تا اطمینان حاصل کند که مقررات فنی، استانداردها و رویه های ارزیابی انطباق مانع غیرضروری تجارت نشوند، در حالی که حق کشورها برای اتخاذ استانداردهای لازم برای حفاظت از سلامت و ایمنی را به رسمیت می شناسد (Maupain, 2013).

با این حال، نقش WTO در ترویج استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی همواره مورد بحث بوده است. برخی استدلال می کنند که WTO باید نقش فعال تری در این زمینه ایفا کند و مفاد مربوط به حقوق کارگران را در توافق نامه های خود بگنجاند (Busse, 2002). در مقابل، دیگران نگران هستند که چنین اقدامی ممکن است به عنوان یک شکل از حمایت گرایی پنهان عمل کند و به ضرر کشورهای در حال توسعه باشد (Brown, 2001).

یکی از چالش های اصلی در این زمینه، تنش بین اصل عدم تبعیض WTO و تلاش برای ترویج استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی است. برای مثال، در پرونده "میگو-لاک پشت" در سال ۱۹۹۸، هیئت استیناف WTO تصمیم گرفت که اقدامات تجاری مرتبط با روش های تولید می توانند تحت شرایط خاصی مجاز باشند، که این امر راه را برای در نظر گرفتن استانداردهای کار در سیاست های تجاری باز کرد (Charnovitz, 2007).



WTO همچنین با سازمان بین‌المللی کار (ILO) همکاری می‌کند تا هماهنگی بیشتری بین سیاست‌های تجاری و استانداردهای کار ایجاد کند. این همکاری شامل تبادل اطلاعات، مشارکت در جلسات یکدیگر و انجام پژوهش‌های مشترک است (Maupain, 2013).

با این وجود، برخی منتقدان معتقدند که WTO می‌تواند اقدامات بیشتری برای ترویج استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی انجام دهد. پیشنهاداتی مانند ایجاد یک "بند اجتماعی" در توافق‌نامه‌های WTO یا تقویت همکاری با ILO مطرح شده است. در مجموع، نقش WTO در ترویج استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی پیچیده و چند وجهی است. در حالی که این سازمان تلاش می‌کند تا تعادلی بین تسهیل تجارت و حفاظت از حقوق کارگران ایجاد کند، چالش‌های قابل توجهی در این زمینه وجود دارد که نیازمند توجه و بررسی بیشتر است.

تأثیر سیاست‌های تجاری بر استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه

سیاست‌های تجاری اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی تأثیرات متنوع و گاه متناقضی بر استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه داشته‌اند. این تأثیرات را می‌توان از طریق مطالعات موردی و تحلیل تأثیرات مثبت و منفی بررسی کرد.

مطالعات موردی:

۱. توافقنامه تجاری اتحادیه اروپا-ویتنام: این توافقنامه که در سال ۲۰۲۰ به اجرا درآمد، شامل مفاد قوی در مورد حقوق کارگران و استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی است. مطالعات اولیه نشان می‌دهد که این توافقنامه منجر به بهبود شرایط کاری در صنایع نساجی و پوشاک ویتنام شده است (Tran et al., 2017).

۲. سیستم تعمیم یافته ترجیحات (GSP) اتحادیه اروپا در بنگلادش: پس از فاجعه رانا پلازا در سال ۲۰۱۳، اتحادیه اروپا تهدید کرد که امتیازات تجاری بنگلادش را تحت GSP لغو خواهد کرد. این فشار منجر به اصلاحات قابل توجهی در قوانین کار و بهبود ایمنی در کارخانه‌های پوشاک بنگلادش شد (Kabeer et al., 2020).

تحلیل تأثیرات مثبت:

۱. انتقال دانش و فناوری: سیاست‌های تجاری می‌توانند انتقال دانش و فناوری را تسهیل کنند، که این امر می‌تواند منجر به بهبود شرایط کاری و ایمنی در کشورهای در حال توسعه شود. برای مثال، شرکت‌های چندملیتی اغلب استانداردهای بالاتری را در زنجیره‌های تأمین خود اعمال می‌کنند (Locke et al., 2013).

۲. فشار رقابتی: آزادسازی تجارت می‌تواند فشار رقابتی را افزایش دهد، که این امر می‌تواند شرکت‌ها را تشویق کند تا برای جذب و حفظ کارگران ماهر، شرایط کاری بهتری را ارائه دهند (Flanagan, 2006).

۳. مشروط سازی تجاری: گنجاندن مفاد مربوط به حقوق کارگران در توافقنامه‌های تجاری می‌تواند انگیزه‌ای برای بهبود استانداردهای کاری در کشورهای در حال توسعه ایجاد کند (Postnikov & Bastiaens, 2014).

تحلیل تأثیرات منفی:

۱. رقابت رو به پایین: نگرانی‌هایی وجود دارد که آزادسازی تجارت ممکن است منجر به "مسابقه به سمت پایین" در استانداردهای کاری شود، زیرا کشورها ممکن است برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، استانداردهای خود را کاهش دهند (Davies & Vadlamannati, 2013).

۲. فشار بر منابع: افزایش تجارت می‌تواند فشار بر منابع دولتی را افزایش دهد، که این امر ممکن است توانایی کشورهای در حال توسعه برای اجرای مؤثر قوانین بهداشت و ایمنی شغلی را محدود کند (Brown, 2015).

۳. ناهماهنگی بین استانداردهای بین‌المللی و شرایط محلی: گاهی اوقات، استانداردهای تحمیل شده توسط توافقنامه‌های تجاری ممکن است با شرایط محلی و نیازهای کشورهای در حال توسعه سازگار نباشند (Frey, 2018).

در مجموع، تأثیر سیاست‌های تجاری بر استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه پیچیده و چند وجهی است. در حالی که این سیاست‌ها می‌توانند انگیزه‌ها و فرصت‌هایی برای بهبود شرایط کاری ایجاد کنند، چالش‌های قابل توجهی نیز وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند.

چالش‌های اجرای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه

علیرغم تلاش‌های صورت گرفته توسط اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی، اجرای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های متعددی روبرو است. این چالش‌ها را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد:

۱. موانع اقتصادی و فنی:

یکی از مهمترین موانع، هزینه‌های مرتبط با اجرای استانداردهای بالای بهداشت و ایمنی شغلی است. بسیاری از شرکت‌های کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه، منابع مالی کافی برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات ایمنی و آموزش کارکنان ندارند (Tadesse et al., 2016). علاوه بر این، کمبود دانش فنی و تخصص در زمینه مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی نیز یک چالش جدی است (Jilcha & Kitaw, 2017).

۲. محدودیت‌های نهادی و قانونی:

ضعف در ساختارهای نظارتی و اجرایی یکی از موانع اصلی در اجرای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نهادهای بازرسی کار با کمبود منابع انسانی و مالی مواجه هستند (Alli, 2008). همچنین، قوانین کار در برخی از این کشورها ممکن است قدیمی یا ناکارآمد باشند و نیاز به به‌روزرسانی داشته باشند (Pires, 2008).

فساد و عدم شفافیت در سیستم‌های نظارتی نیز می‌تواند مانعی جدی در اجرای مؤثر استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی باشد. مطالعات نشان می‌دهد که فساد می‌تواند منجر به نادیده گرفتن تخلفات و کاهش انگیزه برای رعایت استانداردها شود (Anner, 2012).

۳. مسائل فرهنگی و آموزشی:



فقدان فرهنگ ایمنی در محیط کار یکی دیگر از چالش‌های مهم است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، آگاهی عمومی در مورد اهمیت بهداشت و ایمنی شغلی پایین است و کارگران ممکن است ریسک‌های محیط کار را دست کم بگیرند (Kheni et al., 2008).

علاوه بر این، سطح پایین سواد و آموزش در میان کارگران می‌تواند مانعی برای درک و اجرای دستورالعمل‌های ایمنی باشد. این مسئله به ویژه در بخش‌های غیررسمی اقتصاد که بخش قابل توجهی از نیروی کار را در کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند، چالش برانگیز است (Takala et al., 2014).

همچنین، تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند بر نحوه درک و اجرای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی تأثیر بگذارد. برای مثال، در برخی فرهنگ‌ها، تمایل به پذیرش سلسله مراتب و اقتدار ممکن است مانع از گزارش خطرات یا تخلفات توسط کارگران شود (Gyekye & Salminen, 2009).

در نهایت، باید توجه داشت که این چالش‌ها اغلب به هم مرتبط هستند و تقویت کننده یکدیگر می‌باشند. برای مثال، محدودیت‌های اقتصادی می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری در آموزش شود، که این امر به نوبه خود می‌تواند فرهنگ ایمنی ضعیف را تقویت کند. بنابراین، رویکردی جامع و چند بعدی برای مقابله با این چالش‌ها ضروری است.

راهکارها و پیشنهادات برای بهبود اثربخشی سیاست‌های تجاری در ارتقای بهداشت و ایمنی شغلی

برای افزایش اثربخشی سیاست‌های تجاری در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه، راهکارها و پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

۱. تقویت رژیم‌های بین‌المللی بهداشت و ایمنی شغلی:

افزایش همکاری بین سازمان تجارت جهانی (WTO) و سازمان بین‌المللی کار (ILO) می‌تواند به ایجاد هماهنگی بیشتر بین سیاست‌های تجاری و استانداردهای کار کمک کند. این همکاری می‌تواند شامل تبادل اطلاعات، انجام ارزیابی‌های مشترک و توسعه راهنماهای مشترک باشد (Jodoin, 2009).

همچنین، گنجاندن مفاد قوی تر و الزام آور در مورد بهداشت و ایمنی شغلی در توافقنامه‌های تجاری می‌تواند به ارتقای استانداردها کمک کند. برای مثال، اتحادیه اروپا می‌تواند از تجربه خود در زمینه فصل‌های توسعه پایدار در توافقنامه‌های تجاری استفاده کرده و آنها را تقویت کند (Harrison et al., 2019).

۲. بهبود مکانیسم‌های نظارت و اجرا:

ایجاد سیستم‌های نظارتی مستقل و شفاف می‌تواند به بهبود اجرای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی کمک کند. این می‌تواند شامل استفاده از فناوری‌های نوین مانند سیستم‌های گزارش دهی آنلاین و نظارت از راه دور باشد (Locke et al., 2013).

علاوه بر این، تقویت مکانیسم های حل اختلاف در توافقنامه های تجاری می تواند به اطمینان از اجرای تعهدات مربوط به بهداشت و ایمنی شغلی کمک کند. این می تواند شامل ایجاد پنل های کارشناسی مستقل برای رسیدگی به شکایات و اختلافات باشد (Postnikov & Bastiaens, 2014).

۳. ارتقای همکاری های فنی و آموزشی:

افزایش همکاری های فنی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می تواند به انتقال دانش و فناوری در زمینه بهداشت و ایمنی شغلی کمک کند. این می تواند شامل برنامه های تبادل کارشناسان، کارگاه های آموزشی مشترک و پروژه های پژوهشی مشترک باشد (Toffel et al., 2015).

همچنین، سرمایه گذاری در آموزش و ظرفیت سازی در کشورهای در حال توسعه می تواند به بهبود درک و اجرای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی کمک کند. این می تواند شامل توسعه برنامه های آموزشی برای کارگران، مدیران و بازرسان کار باشد (Jilcha & Kitaw, 2017).

۴. ترویج مسئولیت اجتماعی شرکت ها:

تشویق شرکت های چندملیتی به اتخاذ و اجرای استانداردهای بالای بهداشت و ایمنی شغلی در زنجیره های تأمین خود می تواند به ارتقای شرایط کاری در کشورهای در حال توسعه کمک کند. این می تواند از طریق ایجاد مشوق های مالیاتی، اعطای گواهینامه های اجتماعی و ترویج گزارش دهی شفاف انجام شود (Vogel, 2010).

۵. تقویت مشارکت جامعه مدنی:

افزایش مشارکت سازمان های غیردولتی، اتحادیه های کارگری و سایر گروه های جامعه مدنی در فرآیند نظارت و اجرای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی می تواند به بهبود شفافیت و پاسخگویی کمک کند. این می تواند شامل ایجاد مکانیسم های مشاوره با جامعه مدنی در توافقنامه های تجاری باشد (Van den Putte, 2015b).

۶. توجه به بخش غیررسمی:

توسعه راهکارهای خاص برای بهبود بهداشت و ایمنی شغلی در بخش غیررسمی اقتصاد، که بخش قابل توجهی از نیروی کار در کشورهای در حال توسعه را تشکیل می دهد، ضروری است. این می تواند شامل ارائه مشوق ها برای رسمی سازی کسب و کارها و توسعه برنامه های آموزشی متناسب با نیازهای این بخش باشد (Takala et al., 2014).

اجرای این راهکارها نیازمند همکاری نزدیک بین تمام ذینفعان، از جمله دولت ها، سازمان های بین المللی، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. همچنین، باید توجه داشت که راه حل های یکسان برای همه مناسب نیست و راهکارها باید با توجه به شرایط خاص هر کشور و صنعت تنظیم شوند.

نتیجه گیری و بحث

این پژوهش به بررسی نقش سیاست های تجاری اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. با استفاده از چارچوب نظریه رژیم های بین المللی، این مطالعه نشان داد که سیاست های تجاری می توانند ابزار مهمی برای ترویج استانداردهای کاری باشند، اما اثربخشی آنها با چالش های متعددی روبرو است.

یافته های اصلی این پژوهش را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. سیاست های تجاری اتحادیه اروپا، به ویژه از طریق گنجاندن فصل های توسعه پایدار در توافقنامه های تجاری و استفاده از سیستم تعمیم یافته ترجیحات (GSP)، تلاش قابل توجهی برای ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه انجام داده است (Orbie et al., 2018).

۲. سازمان تجارت جهانی، اگرچه مستقیماً مسئول تنظیم استانداردهای کار نیست، اما از طریق توافقنامه هایی مانند SPS و TBT، تأثیر غیرمستقیمی بر شرایط کاری در کشورهای عضو دارد (Jodoin, 2009).

۳. تأثیر سیاست های تجاری بر استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه پیچیده و دوگانه است. در حالی که این سیاست ها می توانند منجر به انتقال دانش و فناوری و ایجاد فشار برای بهبود شرایط کاری شوند، نگرانی هایی نیز در مورد "مسابقه به سمت پایین" و فشار بر منابع دولتی وجود دارد (Davies & Vadlamannati, 2013).

۴. چالش های متعددی در اجرای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، از جمله موانع اقتصادی و فنی، محدودیت های نهادی و قانونی، و مسائل فرهنگی و آموزشی (Jilcha & Kitaw, 2017).

با توجه به این یافته ها، می توان نتیجه گرفت که اگرچه سیاست های تجاری پتانسیل قابل توجهی برای ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی دارند، اما برای دستیابی به اثربخشی بیشتر، نیاز به رویکردی جامع تر و چند بعدی است. این رویکرد باید شامل تقویت رژیم های بین المللی، بهبود مکانیسم های نظارت و اجرا، ارتقای همکاری های فنی و آموزشی، و افزایش مشارکت جامعه مدنی باشد.

همچنین، این مطالعه نشان می دهد که نظریه رژیم های بین المللی چارچوب مفیدی برای درک پویایی های پیچیده بین تجارت بین الملل و استانداردهای کار فراهم می کند. با این حال، این نظریه محدودیت هایی نیز دارد، از جمله توجه ناکافی به نقش عوامل داخلی و تفاوت های فرهنگی در شکل دهی به سیاست های کار (Hassel, 2008).

برای تحقیقات آینده، پیشنهاد می شود که:

۱. مطالعات تجربی بیشتری برای ارزیابی اثربخشی مکانیسم های مختلف در توافقنامه های تجاری برای ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی انجام شود.

۲. تحقیقات بیشتری در مورد چگونگی تعامل سیاست های تجاری با سایر عوامل مؤثر بر شرایط کاری، مانند سیاست های داخلی و فرهنگ سازمانی، صورت گیرد.

۳. مطالعات بیشتری در مورد نقش بخش خصوصی و مسئولیت اجتماعی شرکت ها در ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در زنجیره های تأمین جهانی انجام شود.

در نهایت، این پژوهش تأکید می کند که ارتقای استانداردهای بهداشت و ایمنی شغلی در کشورهای در حال توسعه نه تنها یک مسئله اخلاقی، بلکه یک ضرورت اقتصادی و اجتماعی است. سیاست های تجاری می توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند، اما موفقیت آنها مستلزم همکاری نزدیک بین تمام ذینفعان و توجه به شرایط خاص هر کشور است.

منابع

- Barrientos, S., & Smith, S. (2007). Do workers benefit from ethical trade? Assessing codes of labour practice in global production systems. *Third world quarterly*, 28(4), 713-729 .
- Young, A. R. (2017). The European Union as a global regulator? Context and comparison. In *The European Union as a Global Regulator?* (pp. 13-32). Routledge .
- Flanagan, R. J. (2006). *Globalization and labor conditions: working conditions and worker rights in a global economy*. Oxford University Press .
- Elliott, K. A., & Freeman, R .B. (2003). Can labor standards improve under globalization? *Peterson Institute Press: All Books* .
- Mosley, L. (2017). Workers' rights in global value chains: possibilities for protection and for peril. *New Political Economy*, 22(2), 153-168 .
- Hassel, A. (2018). The evolution of a global labor governance regime. *Governance*, 21(2), 231-251 .
- Bartley, T. (2011). Transnational governance as the layering of rules: Intersections of public and private standards. *Theoretical inquiries in law*, 12(2), 517-542 .
- Krasner, S. D. (1982). Structural causes and regime consequences: regimes as intervening variables. *International organization*, 36(2), 185-205 .
- Orbie, J., & Van den Putte, L. (2016). *Labour rights in Peru and the EU trade agreement: Compliance with the commitments under the sustainable development chapter* .
- Berliner, D., Greenleaf, A. R., Lake, M., & Levi, M. (2015). Labor Standards in International Supply Chains. *ALIGNING RIGHTS AND INCENTIVES* .
- Postnikov, E., & Bastiaens, I. (2014). Does dialogue work? The effectiveness of labor standards in EU preferential trade agreements. *Journal of European Public Policy*, 21(6), 923-940 .
- Shadlen, K. C. (2007). Intellectual property, trade, and development: can foes be friends? *Global Governance*, 13(2), 171-177 .
- Locke, R. M., Rissing, B. A., & Pal, T. (2013). Complements or substitutes? Private codes, state regulation and the enforcement of labour standards in global supply chains. *British Journal of Industrial Relations*, 51(3), 519-552 .
- Mosley, L. (2010). *Labor rights and multinational production*. Cambridge University Press .
- Snyder, H. (2019). Literature review as a research methodology: An overview and guidelines. *Journal of business research*, 104, 333-339 .
- Hsieh, H.-F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288 .
- Flick, U. (2018). Triangulation in data collection. In: *The SAGE handbook of qualitative data collection*.
- Ragin, C. C. (2014). *The comparative method: Moving beyond qualitative and quantitative strategies*. Univ of California Press .
- Van den Putte, L. (2015a). EU bilateral trade agreements and the surprising rise of labour provisions. *International Journal of Comparative Labour Law and Industrial Relations*, 31 .(۳)

- Orbie, J., Martens, D., Oehri, M., & Van den Putte, L. (2018). : Promoting sustainable development or legitimising free trade? Civil society mechanisms in EU trade agreements. In *Sustainable Development in Africa-EU relations* (pp. 96-116). Routledge .
- Harrison, J., Barbu, M., Campling, L., Richardson, B., & Smith, A. (2019). Governing labour standards through free trade agreements: Limits of the European Union's trade and sustainable development chapters. *JCMS: Journal of common market studies*, 57(2), 260-277 .
- Marx, A., Lein, B., & Brando, N. (2016). The protection of labour rights in trade agreements: the case of the EU-Colombia agreement. *Journal of world trade*, 50 .(۴)
- Velluti, S. (2016). The promotion and integration of human rights in EU external trade relations. *Utrecht J. Int'l & Eur. L.*, 32, 41 .
- Van den Putte, L. (2015b). Involving civil society in the implementation of social provisions in trade agreements: Comparing the US and EU approach in the case of South Korea. *Global labour journal*, 6 .(۲)
- Campling, L., Harrison, J., Richardson, B., & Smith, A. (2016). Can labour provisions work beyond the border? Evaluating the effects of EU free trade agreements. *International Labour Review*, 155(3), 357-382 .
- Jodoin, S. (2009). Trade Imbalance: The Struggle to Weigh Human Rights Concerns in Trade Policymaking. In: Oxford University Press.
- Wouters, J., Marx, A., & Hachez, N. (2008). Private Standards, Global Governance and Transatlantic Cooperation. *University of California, Berkeley*, 11, 12 .
- Maupain, F. (۲۰۱۳). *The future of the International Labour Organization in the global economy*. Bloomsbury Publishing .
- Busse, M. (2002). Do labor standards affect comparative advantage in developing countries? *World Development*, 30(11), 1921-1932 .
- Brown, D. K. (2001). Labor standards: where do they belong on the international trade agenda? *Journal of Economic perspectives*, 15(3), 89-112 .
- Charnovitz, S. (2007). The WTO's environmental progress. *Journal of International Economic Law*, 10(3), 685-706 .
- Tran, A. N., Bair, J. & Werner, M. (2017). Forcing change from the outside? The role of trade-labour linkages in transforming Vietnam's labour regime. *Competition & change*, 21(5), 397-416 .
- Kabeer, N., Huq, L., & Sulaiman, M. (2020). Paradigm shift or business as usual? Workers' views on multi-stakeholder initiatives in Bangladesh. *Development and Change*, 51(5), 1360-1398 .
- Davies, R. B., & Vadlamannati, K. C. (2013). A race to the bottom in labor standards? An empirical investigation. *Journal of Development Economics*, 103, 1-1 .۴
- Brown, G. D. (2015). Effective protection of workers' health and safety in global supply chains. *International Journal of Labour Research*, 7 .
- Frey, D. F. (2018). Economic growth, full employment and decent work: The means and ends in SDG 8. In *The sustainable development goals and human rights* (pp. 122-142). Routledge .
- Tadesse, S., Kelaye, T., & Assefa, Y. (2016). Utilization of personal protective equipment and associated factors among textile factory workers at Hawassa Town, Southern Ethiopia. *Journal of Occupational Medicine and Toxicology*, 11, 1-6 .
- Jilcha, K., & Kitaw, D. (2017). Industrial occupational safety and health innovation for sustainable development. *Engineering science and technology, an international journal*, 20(1), 372-380 .
- Alli, B. O. (2008). Fundamental principles of occupational health and safety Second edition. *Geneva, International Labour Organization*, 15, 2008 .
- Pires, R. (2008). Promoting sustainable compliance: Styles of labour inspection and compliance outcomes in Brazil. *International Labour Review*, 147(2-3), 199-229 .
- Anner, M. (2012). Corporate social responsibility and freedom of association rights: The precarious quest for legitimacy and control in global supply chains. *Politics & society*, 40(4), 609-644 .



- Kheni, N .A., Dainty, A. R., & Gibb, A. (2008). Health and safety management in developing countries: a study of construction SMEs in Ghana. *Construction Management and Economics*, 26(11), 1159-1169 .
- Takala, J., Hämmäläinen, P., Saarela, K. L., Yun, L. Y., Manickam ,K., Jin, T. W., Heng, P., Tjong, C., Kheng, L. G., & Lim, S. (2014). Global estimates of the burden of injury and illness at work in 2012. *Journal of occupational and environmental hygiene*, 11(5), 326-337 .
- Gyekye, S. A., & Salminen, S. (2009). Educational status and organizational safety climate: Does educational attainment influence workers' perceptions of workplace safety? *Safety science*, 47(1), 20-28 .
- Toffel, M. W., Short, J. L., & Ouellet, M. (2015). Codes in context: How states, markets, and civil society shape adherence to global labor standards. *Regulation & Governance*, 9(3), 205-223 .
- Vogel, D. (2010). The private regulation of global corporate conduct: Achievements and limitations. *Business & Society*, 49(1), 68-87 .